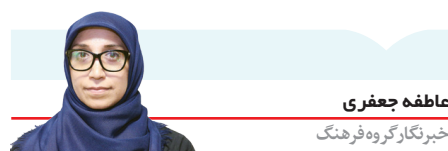


فرهنگ

www.fdn.ir

جلسات شعر طنز انتقادی حلقه زندان بعد از چند سال تعطیلی دوباره راه افتاد

به جز از «حلقه زندان» نروم جای دگر



یکشنبه‌های آخر هر ماه برای شاعران طنزپرداز، انگار یک روز دیگر بود. همه در حیاط حوزه هنری جمع می شدند و بعد از خوش‌شوئی های معمول، وارد سالن می شدند و برای چند ساعت فارغ از همه چیز شعرها خوانده می‌شد و خنده‌ها یا خود به‌همراه داشت. گاهی هم طنز تلخ برخی شعرها مخاطب را به فکر فرو می برد. «در حلقه زندان» شاعرهای سال هفتاد و دور هم جمع می گرد اما از یک جایی تسلط شد. عده‌ای گفتند تعطیلش کردند، چون شعرهایی در آن خوانده می‌شد که نباید می خواندند. عده‌ای هم آن را در سیاست‌های حوزه هنری دانستند و اما نتیجه همه این حرف‌ها این بود که دیگر در حلقه زندانی وجود نداشت. حالا بعد از چند سال تعطیلی، این جلسه بار شده است دوباره برگزار شود. در صفحه امروز به این جلسه و چرایی مهم بودن آن پرداختیم و در کنارش با چند تن از شاعرانی که در این جلسه حضور داشتند، گپ‌وگفت داشتیم.

«در حلقه زندان» چطور شکل گرفت؟

همه چیز از تصمیم ابوالفضل زرویی نمرآباد شروع شد، این که جلسهای برگزار کند فقط شعار طنز در آن خوانده شود. آن زمان جلسات شعر برگزار می شد و شعر طنز هم در گوشه‌ای از این جلسات حضور داشت اما زرویی نمرآباد با آن تجربه در گل آقا بدندان این بود تا یک جلسه ویژه تشکیل دهد. او که در آن زمان مدیر دفتر طنز حوزه هنری بود، بالاخره در مردادماه سال ۱۳۸۰ این جلسه راه انداخت و یکشنبه‌های آخر ماه به‌طور متوالی در آنالندیشه حوزه هنری برگزار می‌شد و از سال ۱۳۸۲ در ماههای محرم و صفر، این جلسه شعر با عنوان زندان به‌طور منظم می‌شد. ناصر فیضی که در آن زمان هم‌رأی زرویی بوده است درمورد شکل گیری این جلسه شعر می‌گوید: زرویی یک کار مهم کرد، او با همه نگاه گل آقا، وارد محاربی طنز شد. تا قبل از اینکه به پیشنهاد زرویی جایی به نام فحش، طنز تاسیس شود، چهجایی که جایی برای ارائه آثار طنزشان نداشتند در محافل خصوصی خوشان آثار یکدیگر را می‌خواندند و اکثر کارهایشان به هجو و



شاعر

معتد هفتم با اتفاق تأثیرگذار در عرصه طنز بعد از انقلاب به شرح زیر است: ستون د حکم صرف (کیو مرث صابری فومنی: گل آقا) در روزنامه اطلاعات در صحنه طنز که طنز انتقادی را بعد از انقلاب جان داد. هفته نامه گل آقا (کیوبرت صابری فومنی) باعث تداوم طنز و گروه هم جمع کردن طنزپردازان بزرگ کشور در یک نشریه شد. با در نظر گرفتن اینکه از جمع شدن بزرگان هر عرصه، شاهد اتفاقات قابل تأملی در آن شاخه هنری هستیم، هفته‌نامه گل آقا نیز از این قانون ناشسته به‌طور پیوند. هفته‌نامه گل آقا باعث رواج طنز فاخر در کشور شد و هم‌زمان به جذب و تربیت استعدادهای جوانی چون ابوالفضل زرویی و رضا رفیع و... پرداخت که بعدها هر کدام در عرصه طنز تأثیر خود را به جا گذاشتند. ستون موسیقی‌های طنز در دوران ریاست‌جمهوری جناب خامنی، در دوره هنر ابوالفضل زرویی و رضا رفیع و... پرداخت که بعدها هر کدام در عرصه طنز تأثیر خود را به جا گذاشتند. ستون موسیقی‌های طنز در دوران ریاست‌جمهوری جناب خامنی، در دوره هنر ابوالفضل زرویی و رضا رفیع و... پرداخت که بعدها هر کدام در عرصه طنز تأثیر خود را به جا گذاشتند. شاعران در حلقه زندان (ابوالفضل زرویی نمرآباد) که موضوع این مقاله است و در ادامه به‌صورت خلاصه‌وار به شرح آن می‌پردازیم. در گروه گندم (نادر خفایی). از جمع شدن جوانان در بشعمر در حلقه زندان و کشف استعدادهای آنان در کنار خفایی گروه گندم را تاسیس کرد و با ورود طنزپردازان نخست به اردیوچون باعث درک دیگر نوجوانان در طنز شد و اعتماد و اطمینان ایشان را به این گونه ادبی جلب کرد. ایشان بعد از آموزش نویسندگان جوان در باشگاه اردیوچون این نوشته به‌دور آمد، و گروه نویسندگان جوان در گروه سپیدار، طنز را به اردیوهای دیگر و سپس به صدای دیگرین پخش کرد.

قندیلو (روح رفیع و امیر قمشئی): قندیلو به‌معنای واقعی مخاطبانی را که از تیررس پنج اتفاقات فلی در زمانه دودند مورد هدف قرار داد و بیشتر اقبال مردم را درگیر کرد.

هرکدام از موارد فوق به شرح ووسط افروانی نیاز دارد اما به مناسبت بازگشایی شب‌شعر در حلقه زندان، به‌صورت اجمالی به تاریخچه این جلسه می‌پردازیم.

فرهنگ

www.fdn.ir

جلسات شعر طنز انتقادی حلقه زندان بعد از چند سال تعطیلی دوباره راه افتاد



یابید باشد، می‌گوید: «در همه جوامع این گونه است که نصیحت گریزیم. وقت‌هایی چیزی را به ما گوشزد می کنند، خیلی دوست نداریم و همیشه جبهه می گیریم. برای رفع برخی شرایط ناخنجار جامعه یک زبان کبفی نیاز داریم که با شیوه نرم و لطیفی اتفاق بیفتد. شما به هر کسی بگویی فلا می عیب و ایراد دار، معمولاً می‌خواهد توجیه کند یا می‌خواهد بگوید که آن عیب و ایراد را ندارد. در همه جوامع ناخنجاری هست. حالا در برخی جاها موفق عمل کردند اما بسیاری از اشعار فکاهه بودند و به هجو و هزل نزدیک می‌شدند. اما با گذشت زمان این مشکلات کمتر شد. زرویی با برگزاری شب‌های شعر «در حلقه زندان» به این طنزپردازان آموزش داد که مسیر طنزنویسی‌شان را به کدام سمت ببرند. حتی بعضی از این افراد تجربه‌ای در طنزنویسی نداشتند. زرویی به ادبیات عامه توجه زیادی داشت و آموزش‌هایش را برگزار می‌کرد اما در دور هم جمع می گرد اما از یک جایی تسلط شد. عده‌ای گفتند تعطیلش کردند، چون شعرهایی در آن خوانده می‌شد که نباید می خواندند. عده‌ای هم آن را در سیاست‌های حوزه هنری دانستند و اما نتیجه همه این حرف‌ها این بود که دیگر در حلقه زندانی وجود نداشت. حالا بعد از چند سال تعطیلی، این جلسه بار شده است دوباره برگزار شود. در صفحه امروز به این جلسه و چرایی مهم بودن آن پرداختیم و در کنارش با چند تن از شاعرانی که در این جلسه حضور داشتند، گپ‌وگفت داشتیم.

تغییر نگاه به طنز

امروزی‌اش از مشروطه و با مطبوعات شروع می‌شود. شاید بتوان آن را مکتب طنز مشروطه نامید. بعد از آن مکتب طنز «توقی» را داریم و بعد مکتب طنز «گل آقا»، این سه مکتب ترانه‌سرا درمورد این جلسات می‌گوید: «در سال‌های نخست برگزاری این جلسات توفیق حضور داشتن و علاوه بر شهرام شکبیا، من هم مدتی به‌عنوان مجری این جلسات بودم و اجرا در این جلسات حژه خاطره‌انگیزترین روزهای زندگی‌ام بود. تشکیل دفتر طنز حوزه هنری و پیش از برپایی جلسات در حلقه زندان» که نقطه عطفی در طنزپردازی نوین ایران بود، گاهی جسته و گریخته شعرهای طنز می‌نوشتیم و البته می‌کرد اما گسترش فعالیت‌ها در زمانه طنز، مکن‌های مثل مهرنگار آغا شد. شعر هم یک محالیت زرویی نمرآباد دفتر طنز حوزه هنری را بر اندازد کرد، ما هم نگامان به طنز تغییر کرد.»

موضوع طنز یا «در حلقه زندان» آمد

افزایش پیدا کرد... کسانی که تربیون پیدا کردند، تصور می‌کردند با آثارشان می‌توانند یک سبک جدید در طنز ایجاد کنند. امروز ما مخاطبان آموزش دهند و در نتیجه کیفیت آموزش‌ها در این مراکز تنزل پیدا کرد.»

طنز بیزر جامعه

این شاعر درمورد لزوم طنز و اینکه زبان طنز چه سندی و حافظه هم طنزپرداز بوده‌اند، اما طنز در مفهوم

جدایی هجو از طنز

حوزه هنری بزرگان طنز گرد این شمع خالص و فروتن و خودسوز و جمع نشوند، از منوچهر احترازی و عمران صلاحی تا محققانی چون محمدحسین شمس‌الطنز، راه‌پیندازم و قشمتی از رصکدرن طنز شاعران و استخوان داران شوخ‌طبعی در عرصه نمایش چون داریوش کاردان و علیرضا خمه‌س...

از تجمع این بزرگان و با وجود دانشمندانی چون خود زرویی کسانی که به اندیشه تجربه و علم و همدانشی هنرمندان این عرصه‌ها شد، از جمع شدن مستقیا تحت‌آموزش بزرگان طنز قرار گرفتن و این یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای در حلقه بود، یکی از جامع‌ترین دانشگاه‌های طنز در تاریخ کشور با استادانی بی‌بزد و منت که محصول دانش‌اندوزی خود را به دیگران انتقال دادند، اگر در حلقه زندانی به وجود نمی‌آمد چه‌بسا این حجم بزرگ تجربه و علم به دیگران انتقال پیدا نمی‌کرد. با توجه به اینکه تقسیم کار در روزهای نخست بین من و ابوالفضل زرویی و شهرام شکبیا صورت گرفت ابوالفضل زرویی عهده‌دار مدیریت و شهرام شکبیا مجری و نادر خفایی به‌عنوان بررس اشعار در نظر گرفته شدند. در جلسات نخست این بحث مطرح شد که حساسیت طنز و عدم شناخت بعضی شاعران از طنز فاخر و سیاست ادامه‌دار بودن جلسه این امر را ضروری نشان می‌داد که اشعار قبل از قرائت دیده شوند. این اتفاق حاصل بزرگی داشت چون در همان خوانند ها گفت‌وگوهای قبل از جلسه آموزش‌های حرفه‌ای به‌دوستان جوان داده شد که درطول زمان آنان را به طنزپردازی قندرتمند تبدیل کرد. این آموزش‌ها و بحث‌ها نیز مدیون در حلقه زندانیم. می‌توان گفت چه تعداد شاعر طنزپرداز حرفه‌ای یا اثر و کتاب قابل نام طنز درحال حاضر وجود نداشت، اما در حلقه زندان به‌تدریج آشنایی با طنز پیدا کردند.

شخصیت بخشیدن به طنز و طنزپرداز

در دوران مشروطه رواج نشریات طنز شاعران و نویسندگانی به این عرصه گشود. اشعار طنز در آن زمان درجه دوم محسوب‌شد طنز زیرشاخه‌ای بود و ادبیات و کمیدی بسیاری از نام خود استفاده نمی‌کردند و آثار خود را با نام‌های مستعار امضا می‌کردند (البته نام مستعار دلیل متعددی داشت که تشریح آنها از شرح وظایف این جلسه به‌دور آمد) و شاعران طنزپرداز با اقبال‌ایی بیش از شاعران جدی و جدی‌م‌های ادبی روبرو شدند دیگر نیازی به پنهان شدن در پشت‌نام مستعار احساس نکردند و امضای شعر و نوشته‌شان بعد از شب‌شعر در حلقه زندان از چنان حرفه‌ای طنز بیرون رانده شد.

آموزش، تبیین و فاصله‌گذاری طنز و کمیدی و هجو و هزل

هفته‌ای نمی‌گذشت که در اتاق کوچک ابوالفضل زرویی نمرآباد در حلقه زندان به‌تدریج به‌عنوان یک مرکز برای آموزش و خنوع طبعانه و طنز و کمیدی بعد از انقلاب بود که باید در محاللی

پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۴۰ شماره ۳۵۲

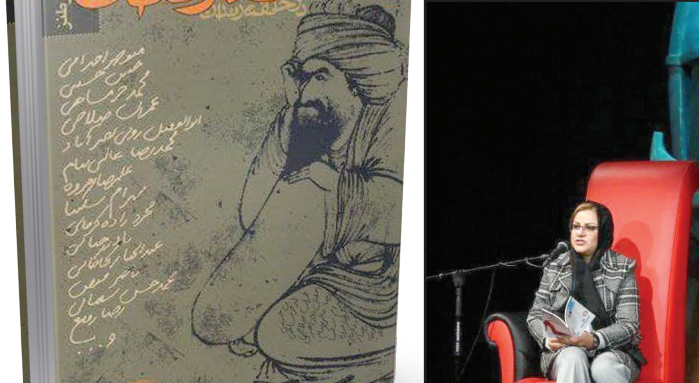
۱۲

ادامه از صفحه ۱۲

پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۴۰ شماره ۳۵۲

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲



زرویی شعر یک قالب برای بیان طنز بود ولی در «حلقه زندان» شعر موضوعیت پیدا کرد و تبدیل شده به موضوع طنز.

طنز باید اصلاح کند

زرویی نمرآباد همیشه می‌گفت: «اگر می‌خواهید درباره کسی طنز بنویسید، طوری بنویسید که شخص آن نوشته را برای خانواده‌اش بخواند. همین می‌تواند الگویی باشد برای اینکه چطور باید اشعار با چه سبک و سیاقی گفته شود که از هجو به دور باشد. مطمئناً وجود شب‌های شعر طنز لازم است. همان‌طور که زمانی شکرخنده، قهیز و... برگزار می‌شد و در همین جلسات بود که شاعران طنزپرداز زیادی کشف شدند و توانستند خوش بدرخشند. رضا احسان‌پور، شاعر طنزپرداز یکی از دلایل گرایش به طنز را اصلاح خود و جامعه برمی‌شمارد و می‌گوید: «مردم ما گرایش به اصلاح دارند و دوست دارند زندگی خود و شرایط‌های را که در آن به سر می‌برند به‌سوی بهتر شدن ببرند. یکی از ویژگی‌های مهم طنز اصلاح است. مردم و طنزپردازان با گرایش به این گونه ادبی فریاد مردم را به گوش مسئولان می‌رسانند و به‌طور غیرمستقیم از کاستی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌گویند بدون آنکه هرگز بترند یا به آب در آسیاب دشمن بریزند؛ چرا که طنز با نق نق‌ن میانه ندارد.»

استفاده ۱۳۴۰ بود که اولین شب‌شعر رسمی ایران به همت استاد فقید ابوالفضل زرویی نمرآباد برگزار شد. نتعینا جمعیتی که در سالن حضور داشتند دقایقی است در آن جلسات پرسش‌پند که حتی بعضی شاعران که می‌خواستند چراغ این محفل را روشن کنند هم خیلی می‌انستند که می‌خواهند چه کار کنند. به‌هرحال هنوز طبع شن‌خوانی محدود‌تر است و عزیز در گوش‌نگازنده‌هست که خواند: «به چاله‌های خیابان شکست‌شمارش نیز به حیرتم به هر چیز چای که خواهد کرد.»

حالا قریب به ۳۰ سال از آن روزهای می‌گذرد. فارسی در این مدت بالندتر شده و مسیر برای تازولوران این عرصه روشن‌تر شده است. روح ابوالفضل زرویی نمرآباد که چراغ این محفل را روشن کرد، شاد باشد. آن مرحوم که خود سوس چمان‌شاد شوخی‌نگاری و طنزندیش‌نشریات که طنز حوزه هنری را راه انداخت و خودش سکان‌مدیرش نشست، به این فکر افتاد که طنز و شوخ‌طبعی را از عرصه محافل خصوصی و دورهمی‌های شاعران به میان عموم برود کرد گای گراستان.

حالا قریب به ۳۰ سال از آن روزهای می‌گذرد. فارسی در این مدت بالندتر شده و مسیر برای تازولوران این عرصه روشن‌تر شده است. روح ابوالفضل زرویی نمرآباد که چراغ این محفل را روشن کرد، شاد باشد. آن مرحوم که خود سوس چمان‌شاد شوخی‌نگاری و طنزندیش‌نشریات که طنز حوزه هنری را راه انداخت و خودش سکان‌مدیرش نشست، به این فکر افتاد که طنز و شوخ‌طبعی را از عرصه محافل خصوصی و دورهمی‌های شاعران به میان عموم برود کرد گای گراستان.

فراخ که آن پرداخت) و... و همین مساله موجب تأثیرگذاری و انتقال تجربه و علم و همدانشی هنرمندان این عرصه‌ها شد. آن انعکاس و حاصل‌مندی آن را در برنامه‌های رادیویی (گروه گندم و سپیدار و...) و انجمن‌های طنز و شعر و موسیقی و مسایر دیگر می‌توان دید.

گسترش طنز

ابوالفضل زرویی با هوش و پشتکاری که داشت برنامه‌های استانی را به سطح استان‌ها و سپس به سطح ملی گسترش داد. این مهم باعث شد دیگر قلم‌به‌دستان و مستعدان شوخ‌طبعی وسوسه شوند که به این عرصه ورود کنند و در ضمن مسئولان و مردم دیگر شهرها را نیز با طنز مواجه کرد. موفقیت در حلقه زندان پایه دایرشدن دفاتر طنز و جلسات مختلف طنز در سراسر کشور بود. ایشان با برگزاری جشنواره‌های مختلف طنز (کشور و دانشجویی و...) باعث توجه بیشتر به این عرصه شد. در حلقه زندان باعث اقبال امروزی طنزپرداز در سراسر کشور است.

ورود دیگر شاعران به عرصه طنز

در حلقه زندان باعث شد تعدادی از شاعران جدی‌سرا به طنز روی بیاورند. با برگزاری مردم جلسه بسیاری از شاعرانی که طنزنویس نبودند برای دیدار و لذت از شعر طنز در جلسه حاضر می شدند. ایشان با تشویق و تحریک دوستان طنزپرداز یا خواست شخصی به نوشتن آثار طنز روی آوردند که امروزه شاهد درخشش بعضی از آنان هستیم و این همه را نیز مدیون در حلقه زندانیم. می‌توان گفت چه تعداد شاعر طنزپرداز حرفه‌ای یا اثر و کتاب قابل نام طنز درحال حاضر وجود نداشت، اما در حلقه زندان به‌تدریج آشنایی با طنز پیدا کردند.

در حلقه زندان به‌تدریج آشنایی با طنز پیدا کردند. شاعران در حلقه زندان بیش از این است و اینجانب خشنودی خود را از بازگشایی دوباره در حلقه زندان پس از دوران سخت قیدنامه اعلام می‌دارم. امیدوارم در روزهای صحیح و استفاده از پیشگوتان طنز شوخ‌طبعی راه ابوالفضل زرویی نمرآباد به درستی پی گرفته شود که اتفاقات بزرگ در جمع‌های کوچک اما فرهیخته می‌افتد.

پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۴۰ شماره ۳۵۲

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲



فرهنگ

www.fdn.ir

جلسات شعر طنز انتقادی حلقه زندان بعد از چند سال تعطیلی دوباره راه افتاد

در حلقه زندان: میراث جاودان ابوالفضل زرویی نصرآباد...

زبان و بیان او در حوزه هنر قرار گرفت که هر کسی پس از او به نوشتن مثنوی طنزآمیز مبادرت می‌کرد به‌نوعی مژانر و بیان او بود. دومین تأثیر مهم زرویی بر شعر طنز امروز ایران راه‌اندازی و مدیریت نخستین شب‌شعر طنز ایران با عنوان «در حلقه زندان» بود، شب‌شعری که توانست افراد زیادی را به ادبیات طنز علاقه‌مند کند و شاعران زیادی را به این حیطه بکشاند. زرویی وقتی نخستین بار ایده و طرح راه‌اندازی شب‌شعری طنز را مطرح کرد هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد که این قالب شعری از چنین قبولیتی در میان عامه به‌رمهند شود که کمی‌ای از تاسیس شب‌شعری با این عنوان در سالن جایی بنشستن علاقه‌مندان و دوستان ادبیات طنز نباشد؛ علاقه‌مندانی که برای دیدن سلسریتی‌ها و عکس انداختن یا چهره‌ها به سالن هجوم می‌آوردند و تنها چیزی که آنها را بعد ازطرز روزهای یکشنبه آحرماه از نقاط مختلف کشور به زیر مل حافظ تهران می‌کشاند، برگزاری محفل ادبی و دیدن طنزپردازان بود تا جایی که بسیاری از طنزنویسان از لطف شرکت در همین محفل ادبی تبدیل به چهره‌هایی مطرح در تلویزیون و رادیو شدند. طنز نمی‌شد یک شک آنچه امروز به اسم «شعر طنز» می‌شناسیم جایگاه و تعریف دیگری داشت. چنانچه اهل تحقیق و مطالعه معترفند که پیش از زرویی آنچه در مطبوعات به نام شعر طنز منتشر می‌شد تنها فکاهه‌های مثنوی بود که به‌سبالی پیش‌یا افتاده همچون گرائی و تروم می‌پرداخت!

تأثیر زرویی بر شعر طنز امروز ایران از دوچفت قابل‌بررسی است: نخست اشعار طنزآمیز سرود زرویی در شکل‌ها و قالب‌های مختلفه (نیمایی، مثنوی، قفله، محاوره...) به‌واسطه طبع روان و شیرینی بیان او آنچنان بر طنزنویسان امروز گارش تأثیر گذار بود که خواستند و خواسته‌شد خیلی از طنزنویسان پس از خود را به پیروی وامی‌داشت. قالب مثنوی که از دیرباز از قالب‌های رایج برای سرودن اشعار طنزآمیز بوده‌ی پس از زرویی آنچنان تحت‌تأثیر برایش تلاشی می‌کرد.

اما هرچه از جلسات اول در حلقه زندان فاصله گرفتیم، جدی‌ها ماندند و فتنی‌ها رو رفتند. آرام‌آرام شاعران گردن کلفت و استخوان‌خودکرده‌ای که گاهی طنزکی می‌گفتند، از این میدان محال و مبارزه کنار رفتند و جاون‌ها و نوجوان‌هایی که می‌خواستند به‌صورتی جدی طنز بنویسند، ماندند. جلسات حتی با وجود رفتن زرویی از دفتر طنز، در آن مجلس تعجب‌ایده‌ها داشت. این نهال و ساقه‌ترو شکندند آرام‌آرام جان گرفت و تبدیل به درختی تاورش شد. اما کرم‌ها که آمد، مثل همه‌جا لگدی هم حواله در حلقه زندان، کرد. چراغ جلسات مدتی خاموش شد. بعدها با حضور یک‌سری شاعرها، شعرخوانی شد. شب شد و در آیات منتشر شد و بعد از مدتی همان بیت به خاموش شد. فضا کنار کشد و چشم‌چشم‌اندید. انار به‌شکار خراسیده بودیم و افسانه امروزی را می‌خواندیم.

زرویی با وجود جوانی و سن کم مدت‌ها سریدر هماهنگ گل آقا بود. اما کسی نمی‌دانست که بزرگ‌ترین میراث زرویی هنوز در راه است. اگرچه نشریات گل آقا جایگاه‌برناری در میان مردم پیدا کرده بود اما هنوز هم شاعران و نویسندگان طنز در محافل و جلسات ادبی جدی گرفته نمی‌شدند. اگر گاهی تربیونی به شاعر طنزپرداز یا فکاهه‌نویس داده می‌شد بیشتر برای تغییر فضا و ادخال سرور و این حرف‌ها بود. شاعر شوخ‌طبع بیچاره چندان اهمیتی نداشت چه جای تعجب که شاعران غیرطنزسرا (ما هموقع حوصله‌شان سر می‌رفت گاهی چرکی به‌شوخی می‌نوشتند و وقتی خوش می‌کردند، به‌هرحال هیچ کس طنز را جدی نمی‌گرفت.

وقتی زرویی نمرآباد اولین محفل طنزنویسان فارسی‌زبان را در تقاطع خیابان حافظ و سپهر راه‌اندازی کرد، باز تعداد زیادی از این جلسه‌ها جدی نگرفتند. البته شاید با ظهور و سقوط یک‌سبک‌های ادبی مختلف، می‌شد حدس زد که جلسه‌ای که شخصی خندیدند و خنداندن و مهتر از همه، انتقال سگولان فکاهی را به‌علاقه‌مندان خود می‌داد اما نه‌باید این‌طور نشندیش‌نشریات که از نظر تعداد قابل‌توجه بودند، همگی مانند دوبات‌های مستعجل بعد از مدت کوتاهی رو به خاموشی رفتند. دیگر تا سال‌ها خبری از نشریات طنز نبود تا گل آقا، رسید. گل آقا، در ۱۳۶۹ منتشر شد. در همین سال نشریه «خوجین» هم منتشر شد و دوره‌ی می‌نگریستند.

دولتمردان و همچنین مسئولان بخش‌های دیگر، مارک‌زورنگری در شهرستان‌ها یا بد از برگزاری یک شب‌شعرا استقبال کنند و روزنامه‌ها و مارک دولتی هم‌بوده‌جا می‌برگزاری چنین مراسم شب‌شعری در نظر گیرند تا این نق‌دهای خونی گزند اما زبان طنز به گوش‌شان برسد و این ارتباط دوسویه بماند و حفظ‌شود. در شرایط فعلی حلقه زندان این بار بر تقویت‌بتهایی به‌دوش می‌کشد و نباید اجازه داد که این چراغ سوسون هم خاموش شود.

کارکرد شعرهای طنز اجتماعی در عین رعایت اصول اخلاقی

پیش از این درباره طنز گل آقایی و ویژگی‌های اخلاقی جمود کیوبرت صابری در بخش‌های طنز طنز گل آقا و آمیزیدگی آن با مردم در نوع نوشتن معنوم نمونه‌معیاری است. کمین این طنز و تکرار بعد از این است که طنز گل آقایی تمام ویژگی‌های یک طنز نبی‌دار را ندارد و مؤثر را دامت. این نوع طنز حد‌حدود خودش را می‌شناخت و می‌توانست آن را در هر جمع و محفل بخوانی. انداز‌ها را به‌ب‌عاطر ترس از بسته‌شدن و توقیف که می‌داشت، بلکه به‌دور معتقد بود، چیزی که آن را در فضای فعلی مجازی از طرف اصطلاحاً طنزنامه‌نیییم و از هر روشی برای خنداندن استفاده نمی‌کرد. کارکرد شعر طنز اجتماعی صحیح یا حتی سیاسی بیش از یک سخنرانی یا مقاله نقدی می‌باشد و ناخبران می‌شود و این همان راز قی‌تکلیک گروه‌ها و محافل گروه‌ها و کانون‌ها و مارک‌های با حق توفین، فضا به‌سمت دقت دوسوانه بوده‌ی می‌شود طرف مقابل که خود طنز شعر شده از آن استقبال می‌کنند. حلقه زندان این را نیز پذیرد. در حلقه زندان از طرف اصناف و معرمان می‌پسیند و انگار این مثلث همان مثلث طلایی‌مانگاری کی از طنز معرمان است که می‌چیزگویی یا همان پاچه‌خواری سرپال شب‌شعرا به‌دو یک له‌ششیری است که سمت‌گیری‌های بدبختی می‌شود و طنزطنزایی می‌شود گل آقایی خنداندن باید جلوی این آفت را بگیرد. از قرائت چاپلوسی بکرن، نوجوهین خود‌شو و بالعکس و حفظ این تعادل برای شعر و طنزپردازان آثار شب واجب‌تر است.

در حلقه زندان خبری هست انگار

اما به‌هرحال گل آقا، کانونی شد برای جمع شدن دوباره طنزپردازانی که سال‌ها بود، کار اصلی را کرده بودند و قبل خوشان رفته بودند دنبال یک کار آبرومند؟ البته گل آقا نه‌تله‌های برای احیای طلم‌طنزپردازان قدیمی، که محیطی مساعد برای‌شد و توسعه‌اشاعران و نویسندگان جوانی بود که هیچ‌وقت فکر نمی‌کردند استعدادشان مهم و جدی باشد. ابوالفضل زرویی نمرآباد شاید مهم‌ترین عنوان گروه‌بود.

زرویی با وجود جوانی و سن کم مدت‌ها سریدر هماهنگ گل آقا بود. اما کسی نمی‌دانست که بزرگ‌ترین میراث زرویی هنوز در راه است. اگرچه نشریات گل آقا جایگاه‌برناری در میان مردم پیدا کرده بود اما هنوز هم شاعران و نویسندگان طنز در محافل و جلسات ادبی جدی گرفته نمی‌شدند. اگر گاهی تربیونی به شاعر طنزپرداز یا فکاهه‌نویس داده می‌شد بیشتر برای تغییر فضا و ادخال سرور و این حرف‌ها بود. شاعر شوخ‌طبع بیچاره چندان اهمیتی نداشت چه جای تعجب که شاعران غیرطنزسرا (ما هموقع حوصله‌شان سر می‌رفت گاهی چرکی به‌شوخی می‌نوشتند و وقتی خوش می‌کردند، به‌هرحال هیچ کس طنز را جدی نمی‌گرفت.

وقتی زرویی نمرآباد اولین محفل طنزنویسان فارسی‌زبان را در تقاطع خیابان حافظ و سپهر راه‌اندازی کرد، باز تعداد زیادی از این جلسه‌ها جدی نگرفتند. البته شاید با ظهور و سقوط یک‌سبک‌های ادبی مختلف، می‌شد حدس زد که جلسه‌ای که شخصی خندیدند و خنداندن و مهتر از همه، انتقال سگولان فکاهی را به‌علاقه‌مندان خود می‌داد اما نه‌باید این‌طور نشندیش‌نشریات که از نظر تعداد قابل‌توجه بودند، همگی مانند دوبات‌های مستعجل بعد از مدت کوتاهی رو به خاموشی رفتند. دیگر تا سال‌ها خبری از نشریات طنز نبود تا گل آقا، رسید. گل آقا، در ۱۳۶۹ منتشر شد. در همین سال نشریه «خوجین» هم منتشر شد و دوره‌ی می‌نگریستند.

زرویی نمرآباد اولین محفل طنزنویسان فارسی‌زبان را در تقاطع خیابان حافظ و سپهر راه‌اندازی کرد، باز تعداد زیادی از این جلسه‌ها جدی نگرفتند. البته شاید با ظهور و سقوط یک‌سبک‌های ادبی مختلف، می‌شد حدس زد که جلسه‌ای که شخصی خندیدند و خنداندن و مهتر از همه، انتقال سگولان فکاهی را به‌علاقه‌مندان خود می‌داد اما نه‌باید این‌طور نشندیش‌نشریات که از نظر تعداد قابل‌توجه بودند، همگی مانند دوبات‌های مستعجل بعد از مدت کوتاهی رو به خاموشی رفتند. دیگر تا سال‌ها خبری از نشریات طنز نبود تا گل آقا، رسید. گل آقا، در ۱۳۶۹ منتشر شد. در همین سال نشریه «خوجین» هم منتشر شد و دوره‌ی می‌نگریستند.

نه پاچه خواری نه فحش

تفاوت جنس طنز در حلقه زندان و طنز در فضای مجازی و اینستاگرامی و اینفلوئنسرها

مرد و حاشیه‌ها و آفات فضای مجازی و اینستاگرام دامن آنها را بگیرد و بزرگان و عتلا‌ی این محفل از این فضا مراقبت کنند.

در غیاب شب شعرهای دیگر

اولا شب شعرها در شروع برای شاعران و شنودگان هستند و اگر طنز هم باشد که این جدایی‌یالات را می‌رود و عمویش هم بیشتر می‌شود. شعر شب‌شعرا طنز مختلفی در دهه‌های گذشته تکرار شده که تقریباً کمتر ناشی از آنها دیده می‌شود، محالگی که به‌خاطر توکل بزرگان و نویسندگان و وایشان اخلافت‌داخلی از بین‌فقدان دستخوش تغییراتی از بیرون شدند و ترجیح دادند اساساً جدی‌شعرا گفتن را رانند. حضور وجود و سراسری مانند در حلقه زندان، در این وضعیت غنیمتی است که می‌تواند راه را برای برگزاری مراسم دیگر شب شعر باز کند و اعتماد به‌نفس لازم را برای تشکیل گروه‌ها و محافل کوچک‌تر در تهران و سایر شهرستان‌ها به جوانان بدهد. اگرچه سال‌ها قبل ویایی بسیاری از جوانان شاعر طنزکی خارج از تهران، شعرخوانی در شب‌شعراهای تهران، حضور و ظهور خاص در حلقه زندان بود اما این احساس کم‌کم فروکش کرد و در یکی، دو سال دیگر به‌واسطه کرنا شدت هم گرفت. شعر طنز در دهه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی فارغ از تأثیرات فرهنگی است که بخشی از دهنه‌ی ناخواندنی‌های مدین و مسئولان هم‌طور شد، البته اگر گوش شنوایی باشد، این مسائل مشکلات روزهمین‌بار گذاشتن با استفاده‌محرانه از مسئولان، به همان شیوه گل آقا، می‌تواند ابرای باشد برای نظارت بر عملکرد از مسئولان، و به همان شیوه گل آقا، می‌تواند ابرای باشد برای نظارت بر عملکرد